

ان ملقه آه جزا شرط اول است بفرضت بفرضت مفعول اول  
قال وحقا کارزار نودن است فی اجانه علی مفعول  
و اجام جمع اجرت بر وزن کت و جمع اجام بر وزن  
و اجام جمع اجرم بر وزن حمل و ان اسم جمع است و و اجاره  
اجرت که مشبه مذکور نود و جزا جمع مفعول ثانیه  
الغیر هر که باشد باستغاث بجهت منصوص است او که  
کارزار نماید با او است و در شمس خود نود خاتون شود  
و کون اسم نندم و لن مری عن فی غیر مفعول به و وزن  
غیر تقسیم من مری غلط است بر وزن کت و است  
شده من از برای تا کون نود مری از افعال جلوت  
اگر نوبت معین باشد و جزا قدر را بدست و را از  
مفعول من مفعول اول و و غیر مفعول دوم و از شقی  
از نوبت بعد باشد از جمله افعال قلوبی که بود  
عقد بر وزن مفعول است و غیره غیره حال از و مفعول  
او و از بدست مری و است که نود و مشرف است با نود و

منصوب

مستعلق

مستعلق است بشعر و غیره عابدت بر وزن المبرم و اول ملقه  
بر سن و لطف دو امر مفعول به است بظرفه حال و و  
الغیر باقی است بکس است بر وجهی از از جمده شقی  
و هرگز نماند بدین معنی و است و از علی بر وزن  
باینده باستغاث و و کون نود و مری و مری و مری  
باینده اصل است مفعول ثانیه کت است از کت است  
حون انما است نجات دل و از کت با صاحب بر وزن  
و این است را بنظر اولی بر ان مدعا را و مری و مری  
و غیره کت است و مری و مری که بر وزن مری و مری  
او و ان مفعول اول و غیر مفعول ثانیه و مری و مری  
را کونید کت است از مری و مری و مری و مری  
و مری و مری و مری و مری و مری و مری  
الاشمال جمع شبل است شبل شکر را کونید فی مفعول  
احم بنی شبل فرود آور و نود کت مری و مری و مری  
مانند شکر فرود آور و نود کت مری و مری و مری

کلمه

195